



چالش نخستین نزول

جمع‌بندی نوین از روایات نخستین سوره نازل شده بر پیامبر ﷺ *

محمد خامه‌گر (نویسنده مسؤل)

دانشجوی دکتری دانشگاه فردوسی مشهد

حسن نقی زاده

دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده:

از دیرباز بر سر نخستین سوره نازل شده بر پیامبر اختلاف بوده که آیا هم‌زمان با نبوت پیامبر، سوره علق بر ایشان نازل شده است و یا این سوره حمد است که افتخار نخستین نزول وحی قرآنی را از آن خود کرده است، یا هیچ یک از این دو سوره نخستین سوره نازل شده نبوده و سوره مدثر نخستین تجربه وحیانی رسول اکرم بوده است؟ این نوشتار در پی رفع چالش نخستین سوره نازل شده، دیدگاه‌های موجود در این موضوع را مطرح کرده و مدارک و شواهد هر دیدگاه را بحث و بررسی می‌نماید. سپس توجیهات مطرح شده جهت حل این چالش را بررسی کرده و راه حل نوینی جهت رفع چالش مطرح شده ارائه می‌نماید.

کلیدواژه‌ها:

نخستین سوره / سوره علق / سوره حمد / سوره مدثر

مقدمه

نخستین نزول و به تعبیر علوم قرآنی اش «أَوَّلُ مَا نَزَّلَ»، به نخستین سوره یا آیاتی گفته می‌شود که پیامبر ﷺ در اولین تجربه وحیانی - قرآنی اش از فرشته وحی دریافت نمود. این موضوع از موضوعات اختلافی در علوم قرآن است. روایات رسیده در این خصوص به دو دسته تقسیم می‌شوند.

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱۱/۲۸، تاریخ تأیید: ۱۳۹۱/۱۲/۵.



الف) روایاتی که به نزول یک یا چند آیه در نخستین نزول اشاره دارد. صاحب «احکام القرآن» و قرطبی نوشته‌اند: «اولین آیه نازل، آیه ۱۵۱ سوره انعام است.» (ابن عربی، ۱۰۲/۱؛ قرطبی، ۳۴۷/۲) و صاحب البرهان می‌گوید: «اولین آیه نازل، آیه ۱۱۱ از سوره توبه است.» (زرکشی، ۲۹۷/۱). ولی صاحب مستدرک از ابن عباس نقل کرده که اولین آیه نازل، آیه ۳۹ سوره حج می‌باشد (حاکم نیشابوری، ۶۶/۲). صاحب الاتقان و عدّه دیگر معتقدند اولین آیه نازل، آیه استعاذه بوده است (سیوطی، ۱۰۹/۱). روایتی نیز در «أسباب النزول» واحدی ذکر شده که «بسمله» را نخستین وحی قرآنی دانسته است. (واحدی، ۱۴/)

ب) گروه دوم از روایات به یک سوره به عنوان نخستین تجربه نزول اشاره کرده‌اند. این دسته از روایات از سه سوره مدثر، حمد و علق نام برده‌اند. با توجه به اندک بودن مستندات روایی و تاریخی روایاتی که به نزول یک آیه در ابتدای نزول اشاره کرده‌اند، در این نوشتار به گروه دوم از روایات پرداخته می‌شود تا مشخص گردد نخستین سوره نازل شده بر قلب مبارک رسول خدا چه سوره‌ای بوده است.

دیدگاه‌ها درباره نخستین سوره نازل شده

مفسران و قرآن پژوهان بر پایه روایات رسیده و سایر شواهد و قراین موجود، یکی از سه سوره مدثر، حمد و علق را به عنوان نخستین سوره نازل شده انتخاب کرده‌اند. دلایل طرفداران هر یک از دیدگاه‌های فوق به شرح زیر است.

دیدگاه اول: سوره مدثر

برخی از روایات سوره مدثر را نخستین سوره نازل شده دانسته‌اند. این دیدگاه تنها یک مستند روایی داشته که از جابر بن عبدالله نقل شده است: «قال: أخبرني أبو سلمة بن عبد الرحمن، عن جابر قال: سمعت رسول الله ﷺ وهو يحدث عن فترة الوحي فقال في حديثه: فَبَيْنَا أَنَا أَمْشِي سَمِعْتُ صَوْتًا مِنَ السَّمَاءِ فَرَفَعْتُ رَأْسِي فَإِذَا الْمَلِكُ الَّذِي جَاءَنِي بِحِجَاءٍ جَالِسٌ عَلَيَّ كَرْسِيٌّ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ، فَجَنَّتْ مِنْهُ رِعْبًا، فَرَجَعْتُ، فَقُلْتُ: زَمَلُونِي زَمَلُونِي، فَدَثَرُونِي، فَأَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى ﴿يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ﴾.» (واحدی، ۱۵/)

از این روایت بر می‌آید که پیامبر ﷺ در حال حرکت بوده که جبرئیل بر او نازل شده و ایشان از سنگینی و فشار وحی درخواست کرده‌اند که او را بپوشانند و چون او را پوشانند، آیه ﴿يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ﴾ نازل شده است.

همان گونه که گذشت، تنها گواه این دیدگاه، روایت جابر بن عبدالله می‌باشد، در حالی که این روایت خود، ادعای مربوطه را رد می‌کند. در این روایت آمده است که پیامبر ﷺ دربارهٔ فترت وحی سخن می‌گفته‌اند که این ماجرا را در ادامه گزارش کرده‌اند. سخن از فترت وحی نشان بر این است که این ماجرا بعد از جریان فترت بوده است؛ یعنی پیامبر ﷺ تا مدتی وحی را دریافت می‌کردند، سپس برای مدتی نزول وحی قطع شد تا اینکه دوباره برقرار شد و سورهٔ مدثر نازل گشت. بنابراین سورهٔ مدثر نمی‌تواند نخستین سورهٔ نازل شده باشد.

گذشته از این، عبارت «الملک الذی جاءنی بحراء» در روایت دلالت دارد که پیامبر ﷺ پیش از این ماجرا، حضرت جبرئیل را در غار حرا دیده است و او را می‌شناسد. پس نزول وحی پیش از این ماجرا نیز اتفاق افتاده و این نخستین نزول وحی نمی‌باشد. از این رو بسیاری از مفسران، این دیدگاه را برنرفته^۱ و با دلایل گوناگون، دست به توجیه روایت مذکور زده‌اند. (واحدی، ۱۵/؛ سیوطی، الإیتقان فی علوم القرآن، ۱/۱۰۸) افزون بر این، محتوای سوره نیز گواهی می‌دهد که پیش از آن سوره‌ای نازل شده است و بعد از آنکه پیامبر آن را بر مردم خوانده، گروهی ایشان را تکذیب کرده و آیات نازل شده را سحر خواندند و گفتند: این آیات کلام بشر است که پیامبر آن را از جادوگران یاد گرفته است (مدثر ۲۵-۲۴). (طباطبایی، ۲۰/۸۳)

دیدگاه دوم: سوره حمد

قرآن پژوهانی که سورهٔ حمد را نخستین سورهٔ نازل شدهٔ قرآن می‌دانند، به دلایل زیر استناد کرده‌اند:

۱. روایات ترتیب نزول

در میان روایات ترتیب نزول، روایت سعید بن مسیب از امام علی ع و روایت ابی میسره (بیهقی، ۲/۱۵۸)، سوره حمد را نخستین سوره نازل شده می‌دانند. روایت

سعید بن مسیب از نادرترین روایاتی است که سند آن به معصوم علیه السلام می‌رسد، از این رو این روایت به جهت سندی، یکی از معتمدترین روایات ترتیب نزول است. در این روایت می‌خوانیم: «عن سعید بن المسیب عن علی بن ابی طالب علیه السلام انه قال: سألت النبی صلی الله علیه و آله عن ثواب القرآن فأخبرني بثواب سورة علی نحو ما نزلت من السماء فأول ما نزل عليه بمكة فاتحة الكتاب ثم اقرأ باسم.» (طبرسی، ۶۱۳/۱۰)

اما درباره روایت ابی میسره باید گفت که واحدی در «اسباب النزول» این روایت را به امام علی علیه السلام نسبت می‌دهد (واحدی، ۲۱/۱) که شاهد و مؤیدی بر روایت سعید بن مسیب می‌باشد. همچنین برخی از مفسران، رجال سند این روایت را ثقة و قابل اعتماد دانسته‌اند. (آلوسی، ۳۹۹/۱۵)

۲. روایات آغاز وحی

روایاتی چند از معصومین علیهم السلام و صحابه رسیده است که اولین و آخرین سوره نازل شده را معرفی می‌کنند. این روایات به نام روایات «أول ما نزل» و «آخر ما نزل» معروف شده‌اند. برخی از این روایات، سوره حمد را به عنوان نخستین سوره نازل شده معرفی کرده‌اند که به چندی از آنها اشاره می‌شود:

* «عن ابی عبدالله علیه السلام قال: إنَّ أوَّلَ ما نَزَلَ عَلی رسول الله صلی الله علیه و آله بمكة بعد أن نبی الحمد.» (مجلسی، ۵۲/۸۲؛ بروجردی، ۷۴۰/۳). این روایت سوره حمد را به عنوان نخستین سوره نازل شده در ابتدای نبوت پیامبر معرفی می‌کند.

* یوسف بن محمد بن زیاد و علی بن محمد بن سیار هر یک از پدرشان حدیث کرده، گویند: امام هادی علیه السلام از پدرانش حدیث کرده، فرمود: علی علیه السلام فرمود: وقتی خدای عزوجل پیامبر ما محمد صلی الله علیه و آله را مبعوث کرد، فرمود: ای محمد!... بگو: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ». (حویزی، ۱۹/۱)

* در روایت دیگری به نقل از «عمرو بن شریحیل» نیز به صراحت بر این نکته تأکید شده است که «أول ما نزل من القرآن «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.» (سیوطی، الدر المنثور، ۲-۳/۱)

مرحوم طبرسی در «مجمع البیان» نیز نقل می‌کند که رسول خدا ﷺ به خدیجه فرمود: هنگامی که تنها می‌شوم، ندایی می‌شنوم (و نگرانم). خدیجه عرض کرد: خداوند جز خیر درباره تو کاری نخواهد کرد، چرا که به خدا سوگند تو امانت را ادا می‌کنی، صله رحم به جا می‌آوری، در سخن گفتن راستگو هستی. خدیجه می‌گوید: بعد از این ماجرا ما سراغ ورقه بن نوفل رفتیم (او از آگاهان عرب و عموزاده خدیجه بود). رسول الله ﷺ آنچه را دیده بود، برای ورقه بیان کرد. ورقه گفت: هنگامی که آن نادای به سراغ تو می‌آید، دقت کن بین چه می‌شنوی؟ سپس برای من نقل کن. پیامبر ﷺ در خلوتگاه خود این را شنید که می‌گوید: ای محمد بگو: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ - تَا - وَلَا الضَّالِّينَ»، و بگو: «لا اله الا الله». سپس حضرت به سراغ ورقه آمد و مطلب را برای او بازگو کرد. (طبرسی، ۵۱۴/۱۰)

۳. روایات تفسیری

برخی از روایات تفسیری نیز رسیده است که به تناسب، ترتیب نزول آیات یا سوره مورد بحث را مشخص کرده است. به عنوان نمونه، روایتی از امام حسن عسکری علیه السلام در تفسیر آیات سوره حمد رسیده است که این سوره را نخستین سوره نازل شده می‌شمارد؛ «عن الحسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسين بن علی بن ابی طالب علیه السلام عن أبيه عن جده علیه السلام قال: جاء رجل الى الرضا علیه السلام فقال له: يا بن رسول الله اخبرني عن قول الله عز وجل ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ ما تفسیره؟ فقال:.... قال علیه السلام: فلما بعث الله عز وجل نبينا محمدا صلی الله علیه و آله و سلم قال يا محمد وما كنت بجانب الطور إذ نادينا امتك بهذه الكرامة ثم قال عز وجل لمحمد صلی الله علیه و آله و سلم: قل: الحمد لله رب العالمين على ما اختصني به من هذه الفضيلة وقال لامته: قولوا انتم: الحمد لله رب العالمين على ما اختصنا به من هذه الفضائل.» (صدوق، عیون اخبار الرضا، ۲۵۶/۲-۲۵۴)

این روایت از امام حسن عسکری علیه السلام به نقل از امام رضا علیه السلام، نزول سوره حمد را هم‌زمان با بعثت و نبوت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اعلام کرده است. از این رو سوره حمد نخستین سوره‌ای است که بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده است.

۴. اقامه نماز قبل از رسالت

از دیگر قراین روایی دال بر نزول سوره حمد در آغاز نبوت پیامبر ﷺ، جریان وجوب نماز هم‌زمان با آغاز نبوت می‌باشد. با توجه به اینکه سوره حمد یکی از واجبات نماز است و بدون آن نماز صحیح نیست، بنابراین سوره حمد باید نخستین سوره نازل شده باشد.

برای استناد به این دلیل باید بتوان دو مسأله مهم را اثبات نمود. ابتدا باید ثابت کنیم پیامبر اکرم در ابتدای بعثت یا حتی قبل از آن نماز می‌خوانده است. دوم آنکه ثابت شود نماز پیامبر در ابتدای بعثت مشتمل بر سوره حمد بوده و محتوای آن نماز با نماز فعلی تفاوت چندانی نداشته است.

مهم‌ترین دلیل برای اثبات نماز خواندن پیامبر قبل از بعثت، آیات ۹ و ۱۰ سوره مبارکه علق است که از نماز خواندن پیامبر قبل از نزول این سوره خبر داده و با نكوهش کسی که مانع نماز خواندن ایشان می‌شده، می‌فرماید: ﴿أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَى عَبْدًا إِذَا صَلَّى﴾.

در احادیث آمده است: «ابوجهل از اطرافیان خود سؤال کرد: آیا محمد در میان شما نیز (برای سجده) صورت به خاک می‌گذارد؟ گفتند: آری. گفت: سوگند به همه مقدسات، اگر او را در چنین حالی ببینم، با پای خود گردن او را له می‌کنم! به او گفتند: ببین، او در آنجا مشغول نماز خواندن است! ابوجهل حرکت کرد تا گردن پیامبر را زیر پای خود بفشارد. ولی هنگامی که نزدیک آمد، عقب‌نشینی کرده و با دستش گویی چیزی را از خود دور می‌کرد! به او گفتند: این چه وضعی است که در تو می‌بینیم؟ گفت: ناگهان میان خودم و او خندقی از آتش دیدم و منظره وحشتناک و هم‌چنین بال و پرهایی مشاهده کردم! در اینجا پیغمبر خدا فرمود: قسم به کسی که جانم در دست اوست، اگر به من نزدیک شده بود، فرشتگان خدا بدن او را قطعه قطعه می‌کردند و عضو عضو او را می‌ربودند.» (طبرسی، ۷۸۲/۱۰)

افزون بر گزارش قرآن و روایت شأن نزول آیات فوق، در روایت دیگری از ابن عباس نیز به نماز خواندن پیامبر قبل از بعثت اشاره کرده است: «عن ابن عباس قال: كانت الشياطين يستمعون الوحي، فلما بعث محمد ﷺ منعوا، فشكوا ذلك إلى إبليس



فقال: لقد حدث أمر. فرقی فوق ابی قییس، وهو اول جبل وضع علی وجه الارض، فرأی رسول الله ﷺ یصلی خلف المقام. فقال: أذهب فأکسر عنقه. فجاء یخطر وجبریل عنده، فرکضه جبریل رکضة طرحه فی کذا وکذا، فولی الشیطان هاربا.» (ابن کثیر، ۱/۴۲۰)

«از ابن عباس رسیده است که شیاطین وحی خداوند بر پیامبر را استراق سمع می کردند. ولی زمانی که پیامبر ﷺ به نبوت رسیدند، این قدرت از آنها گرفته شد. از این رو به ابلیس شکایت کردند. ابلیس متوجه شد که اتفاق بزرگی افتاده است. پس به کوه ابوقیس رفت که اولین کوه ساخته شده در روی زمین می باشد و پیامبر را در آنجا پیدا کرد که پشت مقام نماز می خواندند. پس با خود گفت: می روم و گردنش را می شکم. ولی چون نزدیک شد، جبرئیل که نزد پیامبر بود، او را فراری داد و شیطان گریخت.»

این روایت ناراحتی و نگرانی شیاطین از بعثت پیامبر ﷺ را نشان می دهد، چرا که با وقوع این حادثه، دیگر نمی توانند چون قبل انسان ها را گمراه کنند. همچنین این روایت اشاره دارد که پیامبر ﷺ هم زمان با بعثت نماز می خوانده اند. همان گونه که بعد از این ثابت خواهیم نمود، سوره علق نخستین سوره ای است که بعد از بعثت (نه نبوت) بر پیامبر نازل شده است. بنابراین به استناد این آیات شریفه ثابت می شود که پیامبر قبل از بعثت نماز می خوانده است.

اما برای اثبات این مطلب که نماز پیامبر در ابتدای بعثت مشتمل بر سوره حمد بوده است، ابتدا باید بر این نکته تأکید کرد که بر اساس روایات متعدد، قرائت نماز بدون سوره حمد باطل است. از جمله در روایت مشهوری از رسول خدا می خوانیم: «لا صلاة الا بفاتحة الكتاب» (ابن ابی جمهور، ۱/۱۹۵). در احادیث دیگری نیز به این شرح روایت شده است: «قال عائشة: كل صلاة لا يقرأ فيها بفاتحة الكتاب فهي خداج.» (حر عاملی، ۴/۷۳۳)

این حدیث از احادیث مشهور بوده و شهرت آن به اندازه ای است که شیخ صدوق در پاورقی «من لا يحضره الفقيه» می گوید: این حدیث را به خاطر شهرتش نمی آورم. (صدوق، من لا يحضره الفقيه، ۱/ پاورقی ص ۵۶۴)

پیوند و وابستگی نماز با سوره حمد به گونه‌ای است که در روایات، این سوره را به «صلاة» نیز نامگذاری کرده‌اند. (ن.ک: صحیح مسلم، ۹/۲)

اکنون باید به این پرسش پردازیم که آیا کیفیت نماز رسول خدا پیش از بعثت با نماز ایشان در سال‌های بعد یکسان بوده است و در این نمازها سوره حمد را قرائت می‌کردند؟ در پاسخ باید گفت: بنا بر روایات رسیده، کیفیت نماز مسلمانان تنها یک بار تغییر نمود و آن هم پس از معراج رسول الله بود. در این روایات تنها دو تغییر درباره کیفیت اقامه نماز پس از معراج گزارش شده است: یکی افزایش تعداد رکعات نماز، و دیگری کاهش زمان اقامه نماز.

تغییر نخست در روایتی چنین بیان شده است: «وكانت الصلاة عليهم وقتذاك و بقى هذا حتى حادثة الاسراء ركعتين بالعادة و ركعتين بالعشى.» (همان) به گزارش این روایت، کیفیت نماز قبل از معراج چنین بوده است که دو رکعت در صبح و دو رکعت در شب می‌خواندند تا اینکه در جریان معراج، شکل و کیفیت آن تغییر کرد. افزون بر این، پیش از جریان معراج، نمازگزاران از توسعه زمانی جهت به جا آوردن نماز برخوردار بودند. این نکته در روایت دیگری چنین گزارش شده است: «وقد دخل في تكليف الصلاة ابتداء صلاة في الصباح و صلاة في المساء على سعة في الوقتين.» (همان، ۲۱۴). اما بقیه شرایط و ارکان نماز به ویژه خواندن سوره حمد همانند سابق ادامه داشته است.

قرائت سوره حمد در نمازهای پیش از معراج با روایت دیگری نیز تأیید می‌شود. بنا بر این روایت، خدای سبحان در شب معراج به پیامبر اکرم توصیه می‌نماید که در رکعت نخست نماز پس از حمد، سوره توحید و در رکعت دوم سوره قدر را بخواند؛ «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّ اللَّهَ أَوْحَى إِلَى نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَيْلَةَ الْإِسْرَاءِ فِي الرَّكْعَةِ الْأُولَى أَنْ اقْرَأْ «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» فَإِنَّهَا نِسْبَتِي وَنَعْتِي ثُمَّ أَوْحَى إِلَيْهِ فِي الثَّانِيَةِ بَعْدَ مَا قَرَأَ الْحَمْدَ أَنْ اقْرَأْ «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» فَإِنَّهَا نِسْبَتِكَ وَنِسْبَةُ أَهْلِ بَيْتِكَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.» (حر عاملی، ۷۹/۶). روایت مذکور به صراحت از قرائت سوره حمد در نماز قبل از معراج سخن می‌گوید.



با توجه به مجموع روایاتی که درباره نماز پیامبر پس از بعثت و پیش از معراج وارد شده، می‌توان نتیجه گرفت که قبل از نزول سوره علق، پیامبر نماز می‌خوانده و در نماز سوره حمد را قرائت می‌فرمودند. در نتیجه سوره حمد نخستین سوره نازل شده بر رسول خداست.

۵. نام سوره

از دیگر قرائنی که بر نخستین بودن سوره حمد در ترتیب نزول قرآن دلالت دارد، عنوان «فاتحة الكتاب» است که در بسیاری از روایات به آن اشاره شده است. از جمله در روایتی که سعید بن مسیب از حضرت علی عليه السلام درباره ترتیب نزول سوره‌ها نقل کرده، با یادکرد این نام از سوره حمد، آن را نخستین سوره نازل شده بر رسول خدا دانسته و فرموده است: «فأول ما نزل عليه بمكة فاتحة الكتاب ثم اقرأ باسم» (طبرسی، ۱۰/۶۱۳). برخی از مفسران نیز در وجه تسمیه این سوره بر آن شده‌اند که چون این سوره نخستین سوره نازل شده می‌باشد، به «فاتحة الكتاب» نامگذاری شده است.^۲

از آنچه گذشت، بر می‌آید که سوره حمد با توجه به محتوای آن و وجوب آن در نماز و همچنین داشتن پشتوانه‌های روایی، قابلیت نخستین بودن را در نزول وحی قرآنی داراست. با استناد به این دلایل، برخی از مفسران سوره حمد را نخستین سوره نازل شده بر رسول خدا می‌دانند. از جمله زمخشری در تفسیر کشاف ادعا کرده است که بیشتر مفسران بر نزول سوره حمد به عنوان نخستین سوره نازل شده هم سخن شده‌اند (زمخشری، ۴/۷۷۵). آیت الله جوادی آملی نیز با استناد به سخن زمخشری و برخی روایات ترتیب نزول و ... این دیدگاه را محتمل دانسته و آن را بعید نمی‌شمارد. (جوادی آملی، ۱/۲۶۱)

دیدگاه سوم: سوره علق

قول مشهور در ترتیب نزول سوره علق این است که نخستین سوره نازل شده بر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌باشد. این دیدگاه از مدارک و شواهد گوناگونی برخوردار است که به شرح زیر می‌باشند.

۱. روایات ترتیب نزول

در میان روایات ترتیب نزول، روایت امام صادق علیه السلام (قرشی، ۸/۱)، روایت امام سجاد علیه السلام (واحدی، ۱۶/۱)، روایت مقاتل از امام علی علیه السلام (شهرستانی، ۱۲۸/۱)، روایت مقاتل و روایت ابن واقد (همان)، روایت عطاء از ابن عباس (طبرسی، ۶۱۲/۱۰)، روایت مجاهد از ابن عباس (سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ۳۸/۱)، روایت جابر بن زید (همان، ۱۱۰/۱)، روایت عکرمه و حسن بصری (همان، ۳۷/۱)، روایت ابوصالح از ابن عباس (یعقوبی، ۳۳/۲)، روایت مجاهد (ابن ندیم، ۲۸/۱)، روایت محمد بن نعمان بن بشیر (همان)، روایت علی بن الحسن بن واقد از پدرش (حسکانی، ۴۱۴/۲)، روایت ابوکریب از پدرش (بلاذری، ۱۰۹/۱)، روایت تفسیر خازن (بغدادی، ۹/۱)، ترتیب مصحف الازهر (رامیار، ۶۸۶/۱) و تلفیق شده دو روایت ابن عباس و جابر بن زید توسط آیت الله معرفت (معرفت، ۱۳۵/۱) بر این نظر هستند.

۲. روایات آغاز وحی

بسیاری از روایاتی که در صدد گزارش «أَوَّلُ مَا نَزَلَ» هستند، به صراحت از سوره علق به عنوان نخستین سوره نازل شده نام برده‌اند که به چند نمونه از آنها اشاره می‌شود.

«عن أبي عبدالله عليه السلام قال: أَوَّلُ مَا نَزَلَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ» وَآخِرُهُ «إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ».» (کلینی، ۶۲۸/۲)

«عن عائشة قالت: إِنَّ أَوَّلَ مَا نَزَلَ مِنَ الْقُرْآنِ «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ».» (نسائی، ۶/۹)

«عن مجاهد قال: هي أول سورة نزلت «إقرأ بسم ربك الذي خلق» ثم نون.» (ابن ابی شیبیه، ۱۹۵/۷)

«عن عمرو بن دينار قال: سمعت عبيد بن عمير يقول: أَوَّلُ مَا نَزَلَ مِنَ الْقُرْآنِ «إقرأ بسم ربك الذي خلق» ثم نون.» (همان)

«عن أبي رجاء قال: أخذت من أبي موسى «إقرأ بسم ربك الذي خلق» وهي أول سورة أنزلت على محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ.» (همان)



«عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ أَنَّهُ قَالَ أَوَّلُ مَا نَزَلَ بِمَكَّةَ أَقْرَأَ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ وَ ذَكَرَ [كَلِمَةً] إِلَى قَوْلِهِ: هَذَا مَا نَزَلَ بِمَكَّةَ [وَهُيَ] خَمْسٌ وَ ثَمَانُونَ سُورَةٌ.» (حسکانی، ۲/۴۱۰)

«حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ وَاقِدٍ، عَنْ أَبِيهِ قَالَ أَوَّلُ مَا نَزَلَ مِنَ الْقُرْآنِ بِمَكَّةَ بِلَا خِلَافٍ أَقْرَأَ بِاسْمِ رَبِّكَ ثُمَّ يَا أَيُّهَا الْمُرْمَلُ.» (همان، ۴۱۴/۱)

۳. روایات سبب نزول سوره علق

روایات سبب نزول سوره علق نیز به این نکته تصریح دارند که این سوره، نخستین تجربه وحیانی رسول خدا بوده است. از جمله روایتی است که از قول عایشه در منابع روایی اهل سنت نقل شده و در بیشتر تفاسیر شیعه و سنی بدان استناد شده است. در «الدر المنثور» آمده است که عبدالرزاق، احمد، عبدبن حمید، بخاری، مسلم، ابن جریر، ابن انباری - در کتاب مصاحف - ابن مردویه و بیهقی، از طریق ابن شهاب از عروة بن زبیر از عایشه ام المؤمنین روایت کرده‌اند که گفت: «اولین روزنه‌ای که از وحی به روی رسول خدا ﷺ باز شد، این بود که در عالم رؤیا در خواب چیزهایی می‌دید که چون صبح روشن در خارج واقع می‌شد.»

در این روایت آمده است که پیامبر اکرم ﷺ به غار حرا رفته بود. جبرئیل آمد و گفت: ای محمد بخوان! پیامبر ﷺ فرمود: من قرائت کننده نیستم. جبرئیل او را در آغوش گرفت و فشرد و بار دیگر گفت: بخوان! پیامبر همان جواب را تکرار کرد. بار دوم نیز جبرئیل این کار را کرد و همان جواب را شنید، و در سومین بار گفت: «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ...» و تا آخر آیات پنج‌گانه را بر ایشان تلاوت نمود و از دیده پیامبر پنهان شد. رسول خدا که با دریافت نخستین اشعه وحی سخت خسته شده بود، به سراغ خدیجه آمد و فرمود: «زَمَلُونِي وَ ذَثَرُونِي!»؛ مرا بیوشانید و جامه‌ای بر من بیفکنید تا استراحت کنم.» (سیوطی، الدر المنثور، ۶/۳۶۸)

این روایت نزول پنج آیه نخست سوره علق را به عنوان اولین بسته وحیانی می‌داند که بر پیامبر نازل شده است. این روایت با نقل‌های گوناگونی در میان کتب تفاسیر نقل شده است. روایات تفسیری دیگری نیز رسیده است که سوره علق را به عنوان نخستین سوره نازل شده اعلام کرده‌اند.^۳

۴. محتوای سوره

از دیگر دلایل طرفداران نزول سورهٔ علق به عنوان نخستین سوره، مطلع این سوره است که با واژهٔ «اقرأ» شروع شده است و پیامبر را از مقام رسالت خویش آگاه می‌کند. علامه طباطبایی این دلیل را چنین تقریر می‌کند:

«ظاهر اینکه به طور مطلق فرمود «اقرأ»، این است که منظور از آن، امر به قرائت کتاب است، که خود این امر هم از آیات آن است، و این، نظیر گفتار هر نویسنده‌ای است که در آغاز نامه‌ای که به دیگری می‌نویسد، سفارش می‌کند که این نامه مرا بخوان و به آن عمل کن. پس اینکه می‌گوید «این» و یا می‌گوید «آن»، خودش نیز جزو نامه است. از این سیاق دو احتمال تأیید می‌شود: اول اینکه این آیات اولین آیاتی است که از قرآن کریم بر پیامبر اسلام ﷺ نازل شده. دوم اینکه تقدیر کلام «اقرأ القرآن» و یا چیزی که این معنا را برساند، می‌باشد.» (طباطبایی، ۳۲۳/۲۰)

اکثر قریب به اتفاق مفسران با اعتماد به روایات، این دیدگاه را تأیید کرده و گاه بر آن ادعای اجماع کرده‌اند. مفسرانی چون علامه طباطبایی (همان)، سبزواری (الجدید فی تفسیر القرآن المجید، ۳۸۹/۷)، ملاحویش (بیان المعانی، ۶۶/۱)، زمخشری (الکشاف، ۷۷۵/۴)، طنطاوی (التفسیر الوسیط، ۴۵۱/۱۵)، ابن عاشور (التحریر و التنویر، ۳۸۲/۳۰)، مراغی (تفسیر المراغی، ۱۹۷/۳۰)، خطیب عبدالکریم (التفسیر القرآنی للقرآن، ۱۶۲۱/۱۶)، جعفر شرف الدین (الموسوعة القرآنیة، ۴۳/۱۲) و ... با پذیرش این دیدگاه، سورهٔ علق را به‌عنوان نخستین سورهٔ نازل شده پذیرفته‌اند و برخی از مفسران چون سید قطب (فی ظلال القرآن، ۳۹۳۵/۶)، بر آن ادعای اتفاق و اجماع کرده‌اند.

جمع‌بندی دیدگاه‌ها

همان گونه که مشاهده شد، از میان سه سوره‌ای که در روایات به عنوان نخستین سوره نازل شده معرفی شده‌اند، دو سورهٔ حمد و علق قابلیت آن را دارند که حائز عنوان نخستین تجربه و حیانی پیامبر ﷺ باشند. اکنون باید به گزینش

یکی از دیدگاه‌ها و یا یافتن راهی برای جمع بین آن دو اقدام نمود. مفسران و قرآن پژوهان در این رابطه چند راهکار برگزیده‌اند.

۱. ترجیح سوره حمد یا علق

نخستین برخورد با این چالش، ترجیح یکی از دو سوره حمد یا علق است. چنان‌که گذشت، برخی از مفسران و دانشوران قرآنی با پذیرش دلایل سوره حمد، این سوره را به عنوان نخستین سوره نازل شده پذیرفته‌اند و برخی دیگر، سوره علق را به عنوان نخستین تجربه و حیانی رسول خدا معرفی کرده‌اند.

اما این اقدام با یک مشکل اساسی مواجه است و آن، صراحت تعابیر به کار رفته در روایاتی است که هر یک از طرفین به عنوان دلیل خود اقامه کرده‌اند. همان گونه که ملاحظه شد، روایاتی که سوره علق یا سوره حمد را به عنوان نخستین سوره نازل شده بر پیامبر معرفی می‌کنند، به اندازه‌ای صراحت دارند که به هیچ وجه نمی‌توان آنها را توجیه یا تأویل کرد. برای نمونه بار دیگر به دو روایت که از امام صادق علیه السلام درباره نخستین سوره نازل شده نقل شده، توجه نمایید:

«عن أبي عبدالله عليه السلام قال: إنَّ أوَّلَ ما نَزَلَ على رسول الله ﷺ بمكَّة بعد أن نبئ الحمد.» (مجلسی، ۵۲/۸۲)

«عن أبي عبدالله عليه السلام قال: أوَّلَ ما نَزَلَ على رسول الله ﷺ «بسم الله الرحمن الرحيم - اقرأ باسم ربك» و آخره «إذا جاء نصر الله.» (کلینی، ۶۲۸/۲)

راه ترجیح یکی از این روایات بر دیگری، بررسی سندی روایات است که در این خصوص باید گفت تمامی روایات این باب خبر واحد هستند و هیچ یک بر دیگری فضیلت خاصی ندارد. راه دیگر، استناد به شهرت فتوایی درباره نزول سوره علق به عنوان نخستین سوره نازل شده است که در این رابطه نیز می‌توان گفت اولاً شهرت حجیت ندارد، و ثانیاً قول مقابل نیز از شهرت کافی برخوردار است؛ گرچه گرایش به ترجیح سوره علق مشهورتر است. از این رو بهتر است به جای ترجیح یک دسته از روایات و کنار گذاشتن دسته دیگر، به دنبال راهی برای جمع روایات باشیم.

۲. سوره علق نخستین سوره ناقص و سوره حمد نخستین سوره کامل

روش رایج برای جمع‌بندی جهت رفع چالش نخستین نزول این است که سوره حمد نخستین سوره‌ای است که به یکباره و به صورت کامل نازل شده است، و سوره علق نخستین سوره‌ای است که بر پیامبر به صورت ناقص نازل شده است؛ زیرا در اولین نزول تنها پنج آیه از آن نازل شده و آیات پسین بعد از سوره حمد نازل شده‌اند.

آیت الله معرفت از قائلان این دیدگاه است که در جمع میان روایات رسیده، بر آن می‌شود که پنج آیه نخست سوره علق بشارت دهنده نبوت پیامبر بوده‌اند و سوره حمد نخستین سوره کاملی است که یکجا بر پیامبر نازل شده است (نک: معرفت، ۱/۱۲۷). عبدالرسول الغفار (المیسر فی علوم القرآن، ۶۵/۶۵) و درویش محیی الدین (إعراب القرآن و بیانه، ۲۱/۲۱) و محمد عزه دروزه (التفسیر الحدیث، ۱/۲۸۵) نیز این نظر را پذیرفته‌اند.

تنها مستند این جمع‌بندی، روایت شأن نزول سوره علق است که سیوطی در «الدر المنثور» به نقل از کتب روایی مشهور اهل سنت، از جمله صحیح بخاری و صحیح مسلم از طریق ابن شهاب از عایشه آورده است. در بخشی از این روایت که پیش از این هم نقل شد، می‌خوانیم: «پیغمبر اکرم ﷺ به غار حرا رفته بود. جبرئیل آمد و گفت: ای محمد بخوان! پیامبر فرمود: من قرائت کننده نیستم. جبرئیل او را در آغوش گرفت و فشرد و بار دیگر گفت: بخوان! پیامبر همان جواب را تکرار کرد. بار دوم نیز جبرئیل این کار را کرد و همان جواب را شنید، و در سومین بار گفت: «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ...» و تا آخر آیات پنج‌گانه را بر ایشان تلاوت نمود و از دیده پیامبر پنهان شد.» (سیوطی، الدر المنثور، ۶/۳۶۸)

با آنکه این روایت در بسیاری از تفاسیر شیعه و سنی نقل شده، اما از نظر سند و محتوا به دلایل زیر مخدوش است.

این روایت در هیچ یک از کتب روایی شیعه ذکر نشده است و در کتب روایی اهل سنت مانند مسند احمد حنبل (۶/۲۳۲) و صحیح بخاری (۶/۸۷) نیز تنها به نقل از عایشه روایت شده است و این امر، پذیرش صدور روایت مذکور را مشکل می‌سازد؛ زیرا اگر پیامبر جریان نزول سوره علق را به صورت فوق برای اصحاب و



نزدیکانش بیان کرده بود، قاعدتاً باید این خبر مهم از طریق دیگری نیز روایت می‌شد، اما هیچ یک از اصحاب، به‌ویژه حضرت علی علیه السلام و حضرت خدیجه که در آن زمان در کنار پیامبر بودند، این جریان را نقل نکرده‌اند.

روایت عایشه دربارهٔ نخستین تجربهٔ وحی پیامبر از اشکالات محتوایی متعددی نیز برخوردار است. از جمله آنکه در این روایت از پیامبر خواسته شده است که از روی چیزی بخواند و پیامبر با اشاره به بی‌سوادی خود گفته است: «من قدرت خواندن ندارم». در حالی که دریافت وحی امری شهودی است و فرشته وحی به‌طور مستقیم آن را بر قلب پیامبر فرود می‌آورد؛ ﴿وَإِنَّهُ لَنَنْزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ عَلَى قَلْبِكَ...﴾ (شعراء/۱۹۲-۱۹۴)، نه آنکه لوحی در برابر پیامبر قرار داده شود و پیامبر از روی آن بخواند. پس دریافت وحی هیچ ربطی به سواد خواندن و نوشتن ندارد.

در ادامه این روایت آمده که پیامبر پس از رفتن جبرئیل، این سوره را گرفت و به طرف مکه برگشت، در حالی که قلبش به شدت می‌تپید، تا به خانه خدیجه دختر خویلد رسید. گفت: مرا بیچید، مرا بیچید. اهل خانه او را در روپوشی پیچیدند تا آن حالت ترس و اضطرابش آرام گرفت. سپس به خدیجه رو کرد و داستان را برای او باز گفت و در آخر گفت: بر جان خود می‌ترسم. خدیجه گفت: ابداً چیزی نیست، خدا هرگز تو را خوار نمی‌کند ... آن‌گاه خدیجه آن جناب را نزد ورقة بن نوفل آورد و پیامبر آنچه دیده بود، برای او بازگو کرد. (سیوطی، الدر المنثور، ۶/۳۳۷)

به‌گفته این روایت، رسول خدا پس از دریافت وحی، در نبوت خود شک کرده و نمی‌دانسته آن صدا و آن شخصی که بین زمین و آسمان دیده و آن سوره‌ای که به او نازل شده، از القائنات شیطانی بوده یا الهامات رحمانی، و این حالت موجب تشویش خاطر و اضطراب درونی او می‌شود. تا آنکه توسط یکی از دانشمندان مسیحی به نام ورقة بن نوفل، اضطراب درونی پیامبر از بین رفته و به آرامش و اطمینان می‌رسد.

این روایت ضمن آنکه با حقیقت و ماهیت وحی ناسازگار است، با آیات قرآن نیز تعارض دارد. زیرا نبوت و رسالت همراه با یقین و ایمان صددرصد شخص پیغمبر است، و او قبل از هر کس دیگر، به نبوت خود از جانب خدای تعالی یقین

دارد، همان گونه که در آیات متعدد قرآن به این حقیقت اشاره شده است. از جمله اینکه خداوند از پیامبر می‌خواهد که به همگان اعلام کند: «من و هر کس از من پیروی کرد، با بصیرت و بینایی به خدا دعوت می‌کنیم»؛ ﴿قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي﴾ (یوسف/۱۰۸). آیا به‌راستی چنین بصیرت و اطمینانی از سخنان افرادی مانند ورقه بن نوفل برای پیامبر به دست آمده است؟! (طباطبایی، ۳۲۹/۲۰)

از سوی دیگر این روایت با روایتی که در تفسیر البرهان از ابن عباس نقل شده، تعارض دارد. در این روایت می‌خوانیم که جبرئیل در نخستین ملاقات خود با رسول الله در غار حرا، به ایشان اعلام می‌نماید که از سوی خدای سبحان به رسالت مبعوث شده است و بنا بر فرمان الهی، وظیفه دارد مردم را به سوی توحید و بندگی خدا دعوت نماید. آن‌گاه تمامی آیات سوره علق را به ایشان تعلیم می‌دهد؛ «عَلَّمَهُ اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ إِلَىٰ آخِرَهَا». (زرکشی، ۶۹۶/۵)

افزون بر این، هر واحد نزول به منزله یک خطابه و کلام تام و کامل است، بدین خاطر باید مفهوم و مضمون تام و کاملی را القا کند. در سوره علق نه آیات ۵-۱ چنین ویژگی را دارند، و نه آیات ۱۹-۶. زیرا در پنج آیه نخست سوره‌ی علق، جز فرمان «اقْرَأْ» و اوصاف «رب»، مطلب دیگری ملاحظه نمی‌شود و این مقدار از سخن، مضمون تام و کاملی را افاده نمی‌کند، از این رو پنج آیه نخست سوره علق نمی‌تواند واحد نزول مستقلی باشد و در اولین وحی بر پیامبر اسلام ﷺ نزول یافته باشد. (نکونام، ۲۷۳/۱)

آیه ششم به بعد نیز با واژه «کَلَّا» که بر ردع و نفی مطالب گذشته دلالت دارد، آغاز می‌شود و از این جهت دارای ارتباط لفظی است و از نظر معنایی، ادامه بحث درباره‌ی انسانی است که در آیات ۲ و ۵ سخن از خلقت و تعلیم او توسط خداوند به میان آمده است، اما شکر نعمت‌های او را به‌جا نیاورده و در برابر او، سرکشی و طغیان می‌کند. (طباطبایی، ۳۲۵/۲۰)

۳. سوره حمد نخستین سوره دوره نبوت و سوره علق نخستین سوره دوره رسالت از دیگر روش‌های جمع روایات نخستین نزول این است که بگوییم سوره حمد هم‌زمان با آغاز نبوت پیامبر، به‌عنوان نخستین سوره در دوره نبوت نازل شده است

و سورهٔ علق، نخستین سوره‌ای است که هم‌زمان با آغاز دورهٔ رسالت پیامبر و علنی شدن دعوت اسلام نزول یافته است.

این جمع‌بندی مبتنی بر آن است که پیامبر اکرم سه سال قبل از آنکه به رسالت مبعوث شوند، به مقام نبوت و دریافت وحی از جانب خدا رسیده بودند و خداوند با نزول وحی توسط جبرئیل، معارف توحیدی بسیاری را به پیامبر آموخته بود. از جمله سوره حمد بر ایشان نازل شده و در آن، به ستایش خدا و وظیفه بندگان در برابر او اشاره نموده است. پیامبر نیز در نماز خود آن را قرائت می‌کردند.

بعد از این مدت به فرمان خداوند، پیامبر مأموریت می‌یابد برای مبارزه با شرک و بت‌پرستی، برخی از معارف توحیدی را به مردم آموزش داده و آنها را از جهالت و گمراهی نجات دهند. به این منظور سوره علق نازل می‌شود و با نزول آن، دوره رسالت پیامبر آغاز می‌شود. شواهد و قرائنی که این تحلیل را تأیید می‌کنند، عبارتند از:

الف) تعابیر بکار رفته در روایات آغاز وحی

در برخی از روایات آغاز وحی به صراحت به این نکته اشاره شده که سوره حمد مربوط به دوران نبوت پیامبر است و سوره علق به جنبه رسالت پیامبر مربوط می‌شود. از جمله در روایتی از امام صادق علیه السلام که سوره حمد را نخستین سوره نازل شده می‌داند، می‌خوانیم که «اولین سوره‌ای که بر رسول خدا در مکه بعد از رسیدن به مقام نبوت نازل شد، سوره حمد بود.» «إِنَّ أَوَّلَ مَا نَزَلَ عَلَيَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِمَكَّةَ بَعْدَ أَنْ نُبِيََ الْحَمْدُ.» (مجلسی، ۵۲/۸۲)

اما در روایتی که از همین امام همام درباره نزول سوره علق وارد شده است، بدون آنکه به مقام نبوت رسول الله اشاره شود، می‌فرماید: «أَوَّلُ مَا نَزَلَ عَلَيَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ - اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ» وَآخِرُهُ «إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ.»» (کلینی، ۶۲۸/۲)

ب) روایات دال بر نزول قرآن در طول بیست سال

نزول سورهٔ علق هم‌زمان با رسالت پیامبر با روایات مربوط به دورهٔ بیست سالهٔ نزول قرآن نیز هماهنگ می‌باشد. شیخ کلینی در «الکافی» روایتی از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که دورهٔ نزول قرآن را بیست سال اعلام می‌کند؛ «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

قال: سألته عن قول الله عز وجل: ﴿شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ﴾ وإنما انزل في عشرين سنة بين أوله وآخره؟ فقال أبو عبد الله عليه السلام: نزل القرآن جملة واحدة في شهر رمضان إلى البيت المعمور ثم نزل في طول عشرين سنة، ثم قال ... «(همان) در این روایت امام صادق علیه السلام دوره نزول قرآن را بیست سال اعلام می‌کنند. در تحلیل این روایت می‌توان گفت که نزول سوره علق هم‌زمان با رسالت پیامبر بعد از سه سال دعوت مخفیانه در سن ۴۳ سالگی پیامبر واقع شده است. از این رو پیامبر قرآن را در یک دوره بیست ساله از فرشته وحی دریافت کرده است. چنانچه سعید بن مسیب از بزرگان تابعین، آغاز نزول قرآن را در سن چهل و سه سالگی اعلام می‌کند. (حاکم نیشابوری، ۶۱۰/۲)

ج) محتوای سوره علق

محتوای سوره علق نشان می‌دهد که این سوره نخستین سوره نازل شده به صورت مطلق نیست، بلکه پیش از آن سوره دیگری نازل شده است. این سوره با توجه به فراین زیر، سوره حمد می‌باشد.

اولاً: آیات ۱۰-۹ سوره علق مخالفت مشرکان مکه با نماز خواندن پیامبر را گزارش می‌دهد. این نشان دهنده نماز خواندن پیامبر پیش از نزول سوره علق می‌باشد و با توجه به اینکه سوره حمد از اجزای ضروری نماز می‌باشد؛ (لا صلاة الا بفاتحة الكتاب)، نزول سوره حمد پیش از سوره علق ضروری و بایسته می‌باشد. ثانیاً: در سوره علق، پیامبر به تبلیغ و اعلان عقایدی مأمور می‌شود که در سوره حمد آموخته است. در آیات نخست این سوره، «الله» که از نظر مشرکان خالق جهان است ﴿وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَهُمْ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ فَأَتَى يُؤفِّكُونَ﴾ (زخرف/۸۷)، به عنوان پروردگار جهانیان (رب العالمین) معرفی شده است و در آیات نخست سوره علق، پیامبر موظف می‌شود پروردگار خود را که همان خالق انسان‌هاست، به مردم معرفی نماید. برای اثبات این مدعا به دو نکته باید توجه نمود.

نخست آنکه در آیه شریفه ﴿اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ﴾ بنا بر قول صحیح‌تر، «باء» زایده و «اسم ربّک» مفعول «اقرا» است (طبرسی، ۷۸۰/۱۰). از طرفی «اسم رب» به معنای

چیزی است که بیانگر ذات الهی یا یکی از صفات او باشد (مصطفوی، ۲۲۵/۵). بنابراین معنای جمله فوق این می‌شود که صفات و ویژگی‌های پروردگارت را بخوان. اکنون این پرسش مطرح می‌شود که آیا پیامبر اکرم باید صفات پروردگارش را بر خودش بخواند یا بر دیگران؟ مفسران هر دو احتمال را داده‌اند، زیرا در آیات دیگر نیز هم پیامبر و مسلمانان به خواندن قرآن امر شده‌اند؛ مانند ﴿فَأَقْرَأْ مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ﴾ (مزل/۲۰)، و هم پیامبر به خواندن قرآن بر مردم امر شده است؛ مانند ﴿وَ قُرْآنًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَىٰ مَثَلٍ مُّكْتَبٍ وَ نَزَّلْنَاهُ تَنْزِيلًا﴾ (اسراء/۱۰۶).

اما با توجه به دو نکته می‌توان گفت در این آیه منظور از قرائت قرآن، بیان مطالبی درباره ربوبیت خدا برای مردم است. به بیان دیگر در این آیه، عبارت «عَلَى النَّاسِ» در تقدیر است. نکته نخست این است که مسأله ربوبیت الهی همیشه مورد توجه پیامبر بوده است و پیش از نزول سوره علق، یعنی در سوره حمد نیز به پیامبر یادآوری شده بود و نیازی به یادآوری مجدد نیست.

دوم آنکه سوره علق آغاز رسالت پیامبر است، نه نبوت ایشان؛ یعنی قبل از نزول سوره علق، پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از تعلیم و تربیت الهی برخوردار بودند و با نزول این سوره، مأموریت یافتند آنچه را آموخته بودند، به مردم بیاموزند. و با توجه به اینکه مهم‌ترین چالش پیامبر با مشرکان مکه مسأله ربوبیت خداست، ابتدا باید این نکته را به مردم یادآور شوند.

نتیجه‌گیری

در دیدگاه‌های مربوط به نخستین نزول، بیش از همه میان دو سوره حمد و علق اختلاف نظر وجود دارد. با بررسی روایات و دیدگاه‌های مفسران درباره نخستین سوره نازل شده، بر آن شدیم که هر دو سوره حمد و علق قابلیت نخستین نزول را دارا می‌باشند، با این تفاوت که سوره حمد نخستین سوره نازل شده در دوره نبوت پیامبر، و سوره علق نخستین سوره نازل شده در دوره رسالت ایشان می‌باشد.

بی نوشتها

۱. نک: أحكام القرآن، ج ۴، ص ۱۹۵۵؛ الکاشف، ج ۷، صص ۵۸۵-۵۸۶؛ تفسیر القرآن العظیم (ابن کثیر)، ج ۸، ص ۲۷۱؛ التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، ج ۱۵، ص ۵۳.
۲. نک: الإتقان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۱۹۳؛ الکشف و البیان عن تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۱۲۶؛ مفاتیح الغیب، ج ۱، ص ۱۵۶؛ مقتنیات الدرر و ملتقطات الثمر، ج ۱، ص ۱۱؛ تفسیر روح البیان، ج ۱، ص ۱۰؛ تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان، ج ۱، ص ۸۲؛ الموسوعة القرآنیة، خصائص السور، ج ۱، ص ۳؛ الموسوعة القرآنیة، ج ۲، ص ۵۹.
۳. نک: أحكام القرآن، ج ۴، ص ۱۹۵۴؛ أسباب نزول القرآن (واحدی)، ص ۱۳-۱۲؛ تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۱۵۰؛ البحر المحیط فی التفسیر، ج ۱۰، ص ۵۰۶؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۶۹؛ بیان المعانی، ج ۱، ص ۵۰؛ التفسیر القرآنی للقرآن، ج ۱۶، ص ۱۶۲۲؛ التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، ج ۱۵، ص ۴۵۳-۴۵۲؛ فی ظلال القرآن، ج ۶، ص ۳۹۳۵؛ التحریر و التنویر، ج ۱، ص ۱۳۰؛ تفسیر القرآن العظیم (ابن کثیر)، ج ۸، ص ۲۷۱؛ التفسیر الواضح، ج ۳، ص ۸۸۳؛ المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲۰، ص ۳۲۸-۳۲۷.

منابع و مأخذ:

۱. ابن ابی شیبیه، عبدالله بن محمد؛ المصنف، بیروت: دار الفکر، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.
۲. ابن العربی، محمد بن عبدالله؛ احکام القرآن، قاهره، دار احیاء الکتب العربیة، بی تا.
۳. ابن الندیم، محمد بن ابی یعقوب؛ فهرست ابن الندیم، مصر، شهید علی پاشا، بی تا.
۴. ابن حنبل، احمد؛ مسند احمد، بیروت، دار صادر، بی تا.
۵. ابن عاشور، محمد بن طاهر؛ التحریر و التنویر، بی جا، بی تا، بی تا.
۶. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو؛ السیرة النبویة، بیروت؛ دار المعرفة، ۱۳۹۶ق.
۷. _____؛ تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۹ق.
۸. احسانی، ابن ابی جمهور؛ عوالی اللثالی، قم، سید الشهداء، ۱۴۰۳ق.
۹. آلوسی، سید محمود؛ روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۵ق.
۱۰. اندلسی، ابوحیان؛ البحر المحیط فی التفسیر، بیروت، دار الفکر، ۱۴۲۰ق.
۱۱. بخاری، محمد بن اسماعیل؛ صحیح البخاری، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۱ق.

۱۲. بغدادی، علی بن محمد؛ تفسیر الخازن المسمى لباب التأویل فی معانی التنزیل، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۵ق.
۱۳. بلاذری، احمد بن یحیی؛ جمل من انساب الاشراف، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۷ق.
۱۴. بهجت پور، عبدالکریم؛ همگام با وحی، قم، سبط النبی، ۱۳۸۷ش.
۱۵. بیهقی، احمد بن الحسین؛ السنن الکبری، بیروت، دار الفکر، بی تا.
۱۶. _____؛ دلائل النبوة، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۰۵ق.
۱۷. ثعلبی نیشابوری، احمد بن ابراهیم؛ الكشف و البیان عن تفسیر القرآن، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۲ق.
۱۸. جوادی آملی، عبدالله؛ تفسیر تسنیم، قم، اسراء، ۱۳۸۵ش.
۱۹. حاکم نیشابوری، أبو عبدالله؛ المستدرک علی الصحیحین، بیروت، دار المعرفة، بی تا.
۲۰. حائری تهرانی، میر سید علی؛ مقتنیات الدرر و ملتقطات الثمر، تهران، دار الکتب الاسلامیة، ۱۳۷۷ش.
۲۱. حجازی، محمد محمود؛ التفسیر الواضح، بیروت، دار الجیل الجدید، ۱۴۱۳ق.
۲۲. حر عاملی، محمد بن الحسن؛ وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، قم، مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، ۱۱۰۴ق.
۲۳. حسکانی، عبیدالله بن احمد؛ شواهد التنزیل، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۱ق.
۲۴. حقی بروسوی، اسماعیل؛ تفسیر روح البیان، بیروت، دارالفکر، بی تا.
۲۵. خطیب، عبدالکریم؛ التفسیر القرآنی للقرآن، قاهره، بی تا، ۱۳۸۶ق.
۲۶. رازی، فخرالدین محمد بن عمر؛ مفاتیح الغیب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
۲۷. رامیار، محمود؛ تاریخ قرآن، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۹ش.
۲۸. زرکشی، محمد بن عبدالله؛ البرهان فی علوم القرآن، بیروت، دار المعرفة، ۱۴۱۰ق.
۲۹. زمخشری، محمود، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۰۷ق.
۳۰. سبزواری نجفی، محمد بن حبیب الله؛ الجدید فی تفسیر القرآن المجید، بیروت، دار التعارف، ۱۴۰۶ق.
۳۱. سیوطی، جلال الدین؛ الإیتقان فی علوم القرآن، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۲۱ق.

٣٢. _____ ؛ الدر المثلوث في تفسير المأثور، قم، كتابخانه آية الله مرعشي نجفي، ١٤٠٤ق.
٣٣. شاذلي، سيد بن قطب؛ في ظلال القرآن، بيروت، دار الشروق، ١٤١٢ق.
٣٤. شرف الدين، جعفر؛ الموسوعة القرآنية خصائص السور، بيروت، دار التقريب بين المذاهب الاسلامية، ١٤٢٠ق.
٣٥. شهرستاني، محمد بن عبدالكريم؛ مفاتيح الاسرار و مصابيح الابرار، تهران، دفتر نشر ميراث مکتوب، ١٣٧٦ش.
٣٦. صدوق، محمد بن علي بن الحسين؛ عيون أخبار الرضا عليه السلام، بيروت، مؤسسة الاعلمي، ١٤٠٤ق.
٣٧. _____ ؛ من لا يحضره الفقيه، قم، جماعة المدرسين في الحوزة العلمية، بي تا.
٣٨. طباطبائي، سيد محمد حسين؛ الميزان في تفسير القرآن، قم، انتشارات جامعه مدرسين، ١٤١٧ق.
٣٩. طبرسي، فضل بن حسن؛ مجمع البيان في تفسير القرآن، تهران، ناصر خسرو، ١٣٧٢ش.
٤٠. طنطاوي، سيد محمد؛ التفسير الوسيط للقرآن الكريم، بي جا، بي نا، بي تا.
٤١. قرشي، سيد علي اكبر؛ تفسير احسن الحديث، تهران، بنياد بعثت، ١٣٧٧ش.
٤٢. قرطبي، محمد بن احمد؛ الجامع لأحكام القرآن، تهران، ناصر خسرو، ١٣٦٤ش.
٤٣. كليني، محمد بن يعقوب؛ الكافي، تهران، دار الكتب الإسلامية، ١٣٦٥ش.
٤٤. مراغي، احمد بن مصطفى؛ تفسير المراغي، بيروت، دار احياء التراث العربي، بي تا.
٤٥. مصطفوي، حسن؛ التحقيق في كلمات القرآن الكريم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر كتاب، ١٣٦٠ش.
٤٦. معرفت، محمد هادي؛ التمهيد في علوم القرآن، قم، مؤسسة النشر الاسلامي، ١٤١٥ق.
٤٧. مكارم شيرازي و ديگران، ناصر؛ تفسير نمونه، تهران، دار الكتب الإسلامية، ١٣٧٤ش.
٤٨. ملاحويش آل غازي، عبدالقادر؛ بيان المعاني، دمشق، مطبعة الترقى، ١٣٨٢ق.
٤٩. نكونام، جعفر؛ درآمدی بر تاريخ گذاري قرآن، تهران، نشر هستي نما، ١٣٨٠ش.
٥٠. نيشابوري، حسن بن محمد؛ تفسير غرائب القرآن و رغائب الفرقان، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤١٦ق.
٥١. نيشابوري، مسلم بن حجاج؛ صحيح مسلم، بيروت، دار الفكر، بي تا.
٥٢. واحدي، علي بن احمد؛ اسباب نزول القرآن، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤١١ق.
٥٣. يعقوبي، احمد بن أبي يعقوب؛ تاريخ يعقوبي، بيروت، دار صادر، بي تا.